



Farhangian University

Educational Implications of the Concept of the Struggle between Two Forms of Islam in Imam Khomeini's Thought for Islamic Education

Roqayya Fazel ^{1*}

1. *Corresponding author*, Assistant Professor, department of educational science, Farhangian University, Tehran, Iran. E-mail: r.fazel@cfu.ac.ir

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received: 2024/05/25
Reviewed: 2024/07/22
Accepted: 2024/08/04
Published Online:
2024/08/04
Pages: 17-33

Keywords:
Revolutionary education,
pure Islam,
American Islam,
Imam Khomeini (RA),
Fight between two Islams

Background and Objectives: The concept of the struggle between two Islams, as presented in Imam Khomeini's thought, involves distinguishing between two opposing forms of Islam, which has sparked an awakening regarding the diverse interpretations of the religion. This distinction between "pure Islam" and "American Islam" can also be applied to the field of Islamic education. However, in the context of Islamic education, this struggle-encompassing resistance against both rigidity and Western cultural domination-has often been overlooked, leading to distortions in educational practices. Revisiting the formulation of the fight between these two forms of Islam, as articulated by Imam Khomeini, could be instrumental in defining methods for authentic Islamic education. The aim of this research is to derive educational implications from the idea of this struggle, as conceptualized in Imam Khomeini's thought, to inform the principles of Islamic education. **Methods:** Through a conceptual analysis of Volume 21 of Imam Khomeini's writings, the concepts of "pure Islam" and the "struggle between two Islams" have been clarified. Following this, an inferential approach has been employed to elaborate on the educational implications these concepts hold for Islamic education. **Findings:** The findings of this research have explained the main components of pure Islam and component of the struggle between two Islams, which express the religious foundations of Imam Khomeini (RA), and then, based on these components, the educational implications of the idea of the struggle between two Islams have been extracted. **Conclusion:** Pure Islam and American Islam have opposite and contradictory teachings that you cannot achieve pure Islamic education by simply knowing positively about pure Islam. Drawing a border with American Islam is one of the essentials for Islamic education.

Cite this Article: Fazel, R. (2024). Educational Implications of the Idea of the Fight between Two Islams in Imam Khomeini's Thought for Islamic Education. *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, 10(Special Issue), 17-33. <https://doi.org/10.48310/itt.2024.16343.928>



© the authors
Publisher: Farhangian University





دلالت‌های تربیتی ایده جدال دو اسلام در اندیشه امام خمینی برای تربیت اسلامی

رقیه فاضل^{۱*}

۱. نویسنده مسئول، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: r.fazel@cfu.ac.ir

چکیده

پیشینه و اهداف: طرح مفهوم جدال دو اسلام از سوی امام خمینی (ره) که دو نوع اسلام متضاد با یکدیگر را توصیف می‌کرد، نوعی بیداری نسبت به قرآنت‌های متعدد اسلام ایجاد کرد. مرزکشی میان اسلام ناب و اسلام آمریکایی، می‌توانست به عرصه تربیت اسلامی نیز کشیده شود؛ اما مشاهده می‌شود که در تربیت اسلامی، مبارزه و جدال درونی میان دو اسلام که مبارزه با تاجر و غرب‌زدگی را درون خود دارد، نادیده گرفته شده و باعث بروز اعوجاجاتی در تبیین تربیت اسلامی شده است. مرور صورت‌بندی جدال دو اسلام در اندیشه امام، می‌تواند در تبیین روش‌های تربیت اسلامی ناب کمک‌کننده باشد. هدف این پژوهش استخراج دلالت‌هایی برای تربیت اسلامی از ایده جدال دو اسلام در اندیشه امام است. **روش‌ها:** با روش تحلیل مفهومی جلد ۲۱ صحیفه امام، مفهوم اسلام ناب و جدال دو اسلام تبیین شده و سپس با استفاده از روش استنتاجی، دلالت‌های تربیتی این مفهوم برای تربیت اسلامی تبیین شده است. **یافته‌ها:** یافته‌های این پژوهش مؤلفه‌های اصلی اسلام ناب و مفهوم جدال دو اسلام که مبانی دین شناختی امام خمینی (ره) را بیان می‌کند تبیین کرده و سپس مبتنی بر این مؤلفه‌ها، دلالت‌های تربیتی ایده جدال دو اسلام استخراج شده است. **نتیجه‌گیری:** اسلام ناب و اسلام آمریکایی، آموزه‌های متضادی دارند که نمی‌توان صرفاً با شناخت ایجابی از اسلام ناب، به تربیت اسلامی ناب دست یافت. مرزکشی با اسلام آمریکایی، از لوازم ضروری برای تربیت اسلامی است.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

شماره صفحات: ۱۷-۳۳

واژه‌های کلیدی:

تربیت انقلابی،

اسلام ناب،

اسلام آمریکایی،

امام خمینی (ره)،

جدال دو اسلام

Homepage: <https://itt.cfu.ac.ir/>

۱. **استناد به این مقاله:** فاضل، رقیه. (۱۴۰۳). دلالت‌های تربیتی ایده جدال دو اسلام در اندیشه امام خمینی برای تربیت اسلامی.

نظریه و عمل در تربیت معلمان، ۱۰ (ویژه نامه)، ۱۷-۳۳. <https://doi.org/10.48310/itt.2024.16343.928>



© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه فرهنگیان



مقدمه

دوگانه اسلام ناب و اسلام آمریکایی به‌مثابه یک ایده محوری و به‌نوعی همزاد تاریخی و معرفتی انقلاب اسلامی است؛ با این همه، کم‌تر به‌جایگاه شایسته آن در عرصه دین‌پژوهی دست یافته است (Namkhah, 2014). امام خمینی مرزگذاری میان اسلام ناب و اسلام آمریکایی را دارای پیچیدگی توصیف می‌کند و غیریت‌نساختن از این دو گونه اسلام را باعث خسارت به اسلام می‌داند (Imam Khomeini, 2006). انتقاد به عدم توجه به اندیشه اسلام ناب و اسلام آمریکایی و مرزگذاری میان این دو اسلام، از سوی رهبر معظم انقلاب نیز مطرح شده و به مرز میان اسلام ناب و اسلام آمریکایی به‌عنوان محوری‌ترین اصل مکتب امام خمینی تأکید شده است (Khamenei, 2015). مهوریت ایده جدال اسلام ناب و اسلام آمریکایی، از منظر روش‌شناختی نیز دچار خطاهایی همچون تلقی خطایی و بازخوانی غیر ضابطه‌مند بوده که این نظریه کلیدی را تا حدودی از دسترس خارج کرده است (Namkhah, 2014).

به نظر می‌آید چنانکه امام خمینی می‌فرمایند، توجه به امتناع جمع دو تفکر متضاد در یک مکتب، نه‌فقط در عرصه سیاسی، بلکه در عرصه تربیتی نیز اهمیت داشته و برای نجات تربیت اسلامی از رویکردهای انحرافی ضرورت دارد. این مسئله در دورانی که خلأهای معنوی تمدن غرب خود را نمایان کرده و داشته‌های جذاب فطری در اسلام همچون مقاومت مردم فلسطین باعث گسترش توجه به تربیت معنوی، دینی و اسلامی شده و دلدادگان مکتب اسلام و تربیت اسلامی را افزایش داده، اهمیت بیشتری یافته است. با این وصف، مسئله بنیادینی که در این پژوهش شناسایی شده است، عدم توجه به دوگانه متضاد اسلام ناب و اسلام آمریکایی در عرصه تربیتی بوده، که به نظر می‌آید این عدم توجه، باعث اعوجاج‌هایی در تعریف و مفهوم‌پردازی از تربیت اسلامی شده است؛ آن‌چنان‌که تربیت اسلامی به‌عنوان یک گفتمان محبوب و مشهور، نمی‌تواند رقبای گفتمانی خود را شناسایی کند و در عین رد جریان‌های غرب‌زدگی و تحجّر در عرصه اجتماعی-سیاسی، نمی‌داند در عرصه تربیتی چه باید بکند تا محصولات تربیتی و متریان او در میدان جامعه، انسان انقلاب اسلامی باشند و با متحجّران و غرب‌زده‌ها مرز داشته باشند. برای حل مسئله شناسایی شده، هدف این پژوهش، استخراج دلالت‌هایی برای تربیت اسلامی با استفاده از ایده جدال دو اسلام امام خمینی (ره) است. با این وصف، سؤال اصلی پژوهش این است که «دلالت مؤلفه‌های اصلی مفهوم جدال دو اسلام امام خمینی (ره) است. با این سؤال اصلی پژوهش نیز عبارت‌اند از «مؤلفه‌های اصلی اسلام ناب در اندیشه امام چیست؟»، «مؤلفه‌های اصلی جدال دو اسلام در اندیشه امام خمینی چیست؟»، «جدال دو اسلام در اندیشه امام خمینی چه دلالت‌هایی برای تربیت اسلامی دارد؟».

فرضیه پژوهش این است که با مطرح‌شدن مفهوم دوگانه متضاد اسلام ناب و اسلام آمریکایی، به رویکردی در تربیت اسلامی خواهیم رسید که می‌تواند اصولی عملی از جنس روش در تربیت اسلامی تولید کند، و با به‌کار بستن این اصول، تربیت انقلابی به‌عنوان تربیت اسلامی ناب تبیین شده و تحقق یابد.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی حول نسبت تربیت و جدال دو اسلام انجام نشده است؛ اما اگر تربیت حساس به جدال دو اسلام را تربیت انقلابی بدانیم، می‌توان پژوهش‌های حول تربیت انقلابی را به‌عنوان پیشینه پژوهشی در نظر گرفت.

علی‌پور (۱۴۰۰) در پژوهشی مضامین سازمان‌دهنده معنویت و اخلاق، مبانی و ارزش‌های انقلاب، مؤلفه‌های فرهنگی انقلاب، آگاهی‌بخشی سیاسی، دستاوردهای انقلاب، اعتماد به درون، بصیرت، آرمان‌خواهی، دانش، پژوهش و فناوری، توجه به ظرفیت امیدبخش کشور، پیشرفت، اتحاد ملت، نظارت سازنده، مسئولیت‌پذیری و سبک زندگی اسلامی، به‌عنوان مؤلفه‌های تربیت انقلابی را شناسایی کرد.

محمودی (۱۳۹۷) نیز در تحقیقی با بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت انقلابی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه اول، نشان داد که بیشترین توجه به مؤلفه‌های ایثار و شهادت، اعتقاد به امام خمینی، نفی سلطه و

استکبارستیزی، آگاهی از وقایع و تاریخ انقلاب بوده و به دیگر مؤلفه‌ها توجه کافی نشده است. حسین پور (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان داد که سه عنصر مردمی بودن، اسلام‌خواهی و نفی سلطه سیاسی و فرهنگی، مؤلفه‌های اساسی انقلاب اسلامی هستند، که باید به ظرفیت‌های آن‌ها برای ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش توجه کرد.

رکابیان و علیپورگنجی (۱۳۹۸) در پژوهشی دریافته‌اند که پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی، هدف‌گیری مستمر آرمان‌ها و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها، پایبندی به استقلال همه‌جانبه کشور، حساسیت در برابر دشمن و تبعیت‌نکردن از او و تقوای دینی و سیاسی، پنج مؤلفه اساسی انقلابی ماندن هستند. آنچه در این نوع پژوهش‌ها مشهود است، عدم ادراک یکپارچه از تربیت انقلابی و فروکاست آن به ساحت سیاسی و اجتماعی، و همچنین عدم توجه به تضاد بنیادین اسلام ناب و اسلام آمریکایی است.

مبانی نظری

در بحث از پایبندی به اسلام در میدان عمل، مفهومی به نام نفاق در ادبیات دینی وجود دارد، که به معنای تفاوت میان آنچه تظاهر می‌شود و آنچه در دل وجود دارد و خروج از دایره ایمان و حیات معنوی است (Bozorgzadeh, 2008). صورت دیگری از دوگانگی در اسلام وجود دارد، که نه در پایبندی عملی، بلکه در زاویه گرفتن در فکر اسلامی است. در ادبیات شیعی، عاشورا روایتگر اسلام است، اما آنگاه که دقیق‌تر می‌نگریم، دو اسلام را در عاشورا متجلی می‌بینیم که روایتگر جدالی میان دو اسلام است (Ghanbarian, 2022). تبیین درست اسلام و افشاگری تحریف‌ها و تحریف‌کننده‌ها، کار همیشگی اهل بیت (ع) بوده است، چراکه به نام اسلام، علمای وابسته به دربارهای سلطنتی، میراث پیغمبر یعنی احکام و آموزه‌های اسلامی را دست‌خوش تحریف می‌کردند و امامان شیعه به‌طور پیوسته، با چنین اسلامی در حال جدال بودند (Khamenei, 2011). خطبه منای سیدالشهداء (ع) خطاب به علمای دوران خود، یا نامه امام سجاد (ع) به محمد بن مسلم زهری، تلاش‌های آشکاری برای مبارزه با علمای درباری است که مروج اسلام تحریف‌شده و بی‌خطر برای طواغیت بودند (Khamenei, 2022). از آنجاکه دین، در چشم ناظران بین‌المللی نیز مهم‌ترین مؤلفه در انقلاب مردم ایران در سال ۵۷ بوده است (Foucault, 2022)، روایت دین، دنبال کردن آن در انقلاب و حراست از آن در عرصه نظری و عملی، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ که جدال دو اسلام تلاشی گفتمانی در جهت حراست از این مهم‌ترین مؤلفه انقلاب اسلامی است. توجه تئوریک به این دوگانگی متضاد فکری را می‌توان به‌خوبی در ادبیات امام خمینی دنبال کرد.

تعریف مفاهیم

دلالت تربیتی: دلالت تربیتی، متناسب با تعریف فرانکنا، محصول قیاس میان هدفی در تربیت اسلامی و گزاره‌های واقع‌نگر مبنایی، روشی، مصداقی یا فنی بوده که می‌تواند اصول تربیتی، روش تربیتی یا فن تربیتی ارائه دهد (Bagheri noparast, 2011) و در این پژوهش به معنای روش تربیتی به کار گرفته شده است.

تربیت دینی: تربیت دینی شامل همه ساحت‌هایی است که در چارچوب بینش‌ها و ارزش‌های دینی قرار دارد و محدود به ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی نیست، بلکه رفتار و اندیشه فرد در همه عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و عاطفی را نیز در بر دارد.

تربیت اسلامی: تربیت اسلامی، نوعی از تربیت دینی است که به مبانی دین اسلام متکی است. رابطه تربیت دینی و تربیت اسلامی، رابطه عموم و خصوص مطلق است.

تربیت انقلابی: تربیت انقلابی مفهومی است که عمدتاً در تعریف علمی به‌راحتی از کنار آن گذر شده است، اما در معهود تعاریف، تربیت انقلابی یا در ساحت سیاسی و اجتماعی ملاحظه شده (Mousavi, 2018)، یا با منظری تاریخی تعریف شده است (Alipoor & Mahmoodi, 2023). در این پژوهش متناسب با هدف غایی تربیت اسلامی که تقواست و شامل مراحل شناخت موقعیت، شناخت عوامل هستی‌زا و هستی‌زدا، هو شیاری نسبت به موقعیت و اصلاح

موقعیت است (Alamolhoda, 2009)، تربیت انقلابی گونه‌ای از تربیت اسلامی تلقی می‌شود؛ چراکه در این تعریف، عدم رضایت نسبت به موقعیت و تغییر آن، به‌عنوان هدف غایی تربیت اسلامی ذکر شده است. رابطه تربیت اسلامی و تربیت انقلابی، بسته به قرائت ما از اسلام می‌تواند متفاوت باشد و ذیل گونه‌ای از اسلام که تربیت انبیاء را با هدف واسطی، قیام مردمی برای عدالت اجتماعی می‌داند، تربیت اسلامی، همان تربیت انقلابی است. همچنین از آنجاکه مفهوم اسلام انقلابی در ادبیات رهبران انقلاب رواج دارد، می‌توان گفت اسلام با قرائت‌های مختلف روایت شده است که تعریف مختار از اسلام در اندیشه رهبران انقلاب، اسلامی دارای صفت انقلابی است که درون آن نهفته است و برای تمایز میان اسلام‌های متفاوت، ایشان از واژه اسلام انقلابی استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال رهبر معظم انقلاب چنین مطرح می‌کنند (Khamenei, 1990): «مردم نباید فراموش بکنند که ما هرچه داریم، به برکت اسلام ناب و اسلام انقلابی است؛ اسلامی که به فکر طبقات مستضعف و محروم است، نه اسلامی که در خدمت قدرتمندان و اغنیاست. بله، در دنیا کسان دیگری هستند که ادعای اسلام می‌کنند؛ اما اسلام آن‌ها اسلام محمد نیست؛ اسلام ابوجهل و ابولهب است؛ اسلام امریکاست... کسانی هستند که ادعای اسلام و اسم اسلام را وسیله‌ای برای چاپیدن و سوءاستفاده و تحمیق بیشتر قرار داده‌اند. آن اسلام، اسلامی است که به نفع سرمایه‌داران و زراندوزان و صاحبان میلیاردها دلار در بانک‌های خارجی است. ما آن اسلام را قبول نداریم». با این وصف می‌توان گفت تربیت انقلابی و تربیت اسلامی در یک منظر خاص، عیناً یکی خواهند بود و در قرائت‌های التقاطی از اسلام، طبیعتاً میان تربیت اسلامی و تربیت انقلابی تفاوت وجود دارد. باید به این نکته توجه کرد که تربیت انقلابی، صرفاً در ساحت تربیت سیاسی اجتماعی مطرح نبوده و در فهم دین شناختی و اعتقادی، در درک و کنش اقتصادی و حرفه‌ای، در درک زیبایی‌شناختی و تعهد هنرمندانه و دیگر ساحت‌ها کاملاً مؤثر بوده و بیش از اینکه محدود در یک ساحت باشد، رویکردی است که در تمامی ساحت‌های تربیتی جریان دارد.

اسلام ناب و اسلام آمریکایی: اسلام ناب در لغت به معنای اسلام خالص بدون التقاط است، آن گونه که مورد نظر شارع باشد. واضع این اصطلاح را می‌توان امام خمینی دانست که در آسیب‌شناسی قرائت‌های رایجی که درباره اسلام در جامعه وجود داشت، به دنبال مرزگذاری با قرائت‌های التقاطی از اسلام، که آن را اسلام آمریکایی می‌نامیدند، بودند.

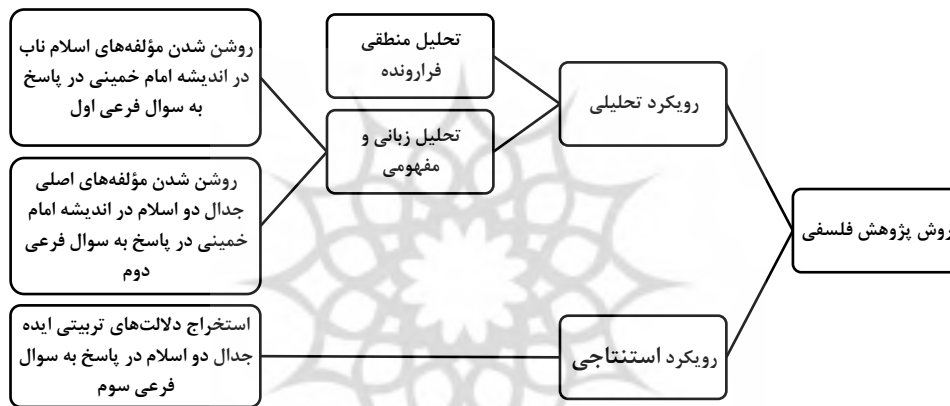
جدال دو اسلام: در پی طرح دو قرائت اسلام ناب و اسلام آمریکایی، امام خمینی بر ناسازگاری بنیادین و جنگ این دو قرائت از اسلام اشاره داشته و لزوم مبارزه با اسلام آمریکایی و رسوایی آن را اعلام کردند. جدال دو اسلام، به معنای ایده ناسازگاری بنیادی میان دو گونه اسلام است.

روش

در پژوهش حاضر تلاش شده است مؤلفه‌های اصلی اسلام ناب و همچنین جدال دو اسلام در اندیشه ایشان تبیین شود، سپس به تبیین دلالت‌های تربیتی مؤلفه‌های ایده‌ی جدال دو اسلام برای تربیت اسلامی پرداخته شود. از آنجاکه پرسش‌های اصلی و فرعی پژوهش، از جنس فلسفی است، پاسخ به این پرسش‌ها نیز روش پژوهش فلسفی می‌طلبد. با این وصف در گام اول و دوم پژوهش، برای پاسخ به سؤال فرعی اول و دوم که باید به ایضاح مفهومی اسلام ناب و جدال دو اسلام و مؤلفه‌های اصلی آن در اندیشه امام خمینی (ره) بپردازیم، از رویکرد تحلیل مفهومی (Kiany & Sadeghzadeh ghamsari, 2011)، از خانواده پژوهش فلسفی استفاده شده است. روش تحلیل در روش‌شناسی پژوهش‌های فلسفی در طیف گسترده‌ای با مشخصه‌های متفاوتی موردنظر قرار گرفته و یک روش واحد و مشخص نیست. در اینجا تحلیل به معنای جستجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و بازشناسی روابط و شبکه‌های مفهومی مدنظر است که در تقسیم‌بندی کلی تحلیل منطقی و تحلیل زبانی و مفهومی، تحلیل مفهومی را دنبال می‌کند. شیوه‌های تحلیل در تحلیل مفهومی عبارت‌اند از بررسی بافت یا سیاق مفهوم، بررسی مترادف کلمات یا عبارات، تحلیل بر اساس مفهوم متضاد و تحلیل برحسب شبکه معنایی. در تحلیل برحسب شبکه معنایی، برخی واژه‌ها به سبب معانی مرتبط و نزدیکی که با هم دارند به صورت شبکه‌ای بهم پیوسته ظهور می‌کنند و نوع ارتباط عناصر این شبکه می‌تواند اشراقی یا

اندراجی باشد (Bagheri noparast, Sajjadih, Tavassoli, 2010). در این راستا، برای تحلیل مفهومی و شبکه معنایی مفهوم اسلام ناب و سپس جدال دو اسلام همه سخنرانی‌ها، نامه‌ها و پیام‌های مطرح شده در جلد ۲۱ صحیفه امام خمینی، که در فاصله ۱ فروردین ۱۳۶۷ تا پایان عمر ایشان صادر شده است، بررسی شدند. هر مضمونی که در این مجلد به روایت اسلام ناب پرداخته است در پاسخ به سؤال اول و هر مفهومی که به نوعی تضاد در دین‌داری و اسلام اشاره دارد، یا نقدی به گونه‌ای از اسلام و مسلمانی وارد کرده، برای پاسخ به سؤال دوم مورد مطالعه قرار گرفته است. در پاسخ به سؤال اول و دوم، تحلیل مفهومی، شبکه‌ای معنایی را دنبال می‌کند که ارتباط اندراجی یا همان ارتباط سلسله مراتبی میان مفاهیم را بیان می‌کند. در این رابطه فرض بر آن است که مفهوم اسلام ناب و جدال دو اسلام در اندیشه امام دارای ابعاد یا جنبه‌های مختلف است (Bagheri noparast et al, 2010). برای پاسخ به سؤال فرعی سوم و استخراج دلالت‌های تربیتی از مفهوم جدال دو اسلام، از رویکرد استنتاجی (Kiany, 2011 & Sadeghzadeh ghamasari) در پژوهش فلسفی به صورت قیاس عملی، با توجه به الگوی پیش‌رونده فرانکنا^۱ (Bagheri noparast, 2011) استفاده شد.

شکل ۱. گام‌های پژوهش با توجه به رویکردهای پژوهش و دسته‌بندی باقری و عطاران (1997)



یافته‌ها

در بخش یافته‌ها به دو پرسش پاسخ داده می‌شود: «مؤلفه‌های اصلی اسلام ناب در اندیشه امام چیست؟»، «مؤلفه‌های اصلی جدال دو اسلام در اندیشه امام خمینی چیست؟» و «جدال دو اسلام در اندیشه امام خمینی چه دلالت‌هایی برای تربیت انقلابی دارد؟».

مؤلفه‌های اصلی اسلام ناب در اندیشه امام خمینی

در پاسخ به سؤال اول، مفاهیمی که در جلد ۲۱ صحیفه امام مطرح شده و نهایتاً امام خمینی با طرح آن‌ها به دنبال روایت اسلام واقعی و ناب با رویکرد ایجابی هستند، به عنوان جنبه‌های مختلف اسلام ناب مطرح شده است. مثل قیام لله یا قیام آگاهانه که حضرت امام در بیان اسلام ناب مطرح می‌کنند. در این بخش، هر کدام از این جنبه‌ها به عنوان مؤلفه‌های اسلام ناب مطرح شده و شواهد آن در توضیح آمده است.

قیام لله؛ مبارزه علیه طاغوت برای توحید:

در اندیشه امام خمینی، توحید محوری‌ترین مؤلفه اسلام ناب است که یگانه بودن خداوند به توصیفی از جهان هستی محدود نشده و به تجویزی برای زندگی اجتماعی انسان‌ها تبدیل شده، و به تلاش برای یگانه شدن حاکمیت جهان در دست خداوند اشاره دارد. قیام لله در اولین پیام مبارزاتی امام خمینی با آیه ۴۶ سوره سبأ آغاز می‌شود. قیام لله بر

حرکت برای خدا و همچنین مبارزه و غیریت‌سازی تأکید دارد. قیام‌الله در اندیشه ایشان، روی دیگر قیام بالقسط است و نشان می‌دهد که منظور از قیام‌الله در عرصه اجتماعی، همان قیام برای عدالت است و قیام سیدالشهداء (ع) را نیز قیام برای عدل و در ادامه قیام انبیاء (ع) روایت می‌کنند (Imam Khomeini, 2006: 2 & 4).

مردمی و آگاهانه بودن قیام‌الله:

امام خمینی مردم را مخاطب فرمان قیام‌الله دانسته و آن را به خواص محدود نمی‌کنند. مردمی بودن قیام، خودبه‌خود وجه دیگری از قیام را نمایان می‌کند و آن اندیشه مردم است، از این‌رو است که از بزرگ‌ترین کارهای یک رهبر قیام، تبیین اندیشه دینی برای مردم است. تأکید بر تفکر در ادامه مفهوم قیام‌الله، تا حدی مهم است که حتی در دوران استقرار نظام اسلامی، امام خمینی بر آگاهی و آزادی مردم برای انتخابات اشاره می‌کنند و از تحمیل رأی هر گروه و دسته‌ای بر مردم رشید ایران که حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته و به آن وفادار مانده‌اند، پرهیز می‌دهند (Ibid: 20-21). ایشان همچنین مردم را نه فقط در دوران نهضت، بلکه در دوران بازسازی نظام اسلامی پس از جنگ، به صورت عام در برابر انحصار مرقه‌پهن و نخبگان، مهم‌ترین رکن بازسازی می‌دانند (Ibid: 159).

قیام برای عدالت هم‌تراز قیام‌الله در اسلام ناب:

در اندیشه امام خمینی، مبارزه با فقر و استضعاف، با نابودی ریشه‌های اجتماعی فقر عجین شده، که همانا سرمایه‌داری و راحت‌طلبی است. توجه ویژه ایشان به محرومین، صرفاً از جهت جبران فقر و محرومیت نیست، بلکه در یک اولویت‌بخشی اجتماعی، معتقدند که با توجهات ویژه به مستضعفین، می‌توان بنیادهای استضعاف را خشک کرد. چنانکه مجلس را «خانه همه ملت و امید مستضعفین» (Ibid: 12) می‌دانند و مردم را به رأی‌دادن به متعبدان به اسلام ناب، یعنی کسانی که طعم فقر را چشیده و در قول و عمل مدافع اسلام مستضعفین باشند، دعوت می‌کنند (Ibid: 12). ایشان همراهی روحانیت با پابره‌نه‌ها را برای عدم عدول روحانیت از عدالت اجتماعی واجب می‌دانند (Ibid: 99). همچنین مبارزه را با رفاه‌طلبی ناهمخوان دانسته (Ibid: 86) و از این منظر، تأکید بر مبارزه با سرمایه‌داری و بی‌دردی، برخاسته از اصالت قیام برای خدا است.

مراقبت دائمی از قیام‌الله:

قیام‌الله برای تحقق هرچه بیشتر حکم الهی و اجتناب هرچه بیشتر از طاغوت است و به دلیل بی‌نهایت بودن هدف، همیشه می‌توان به درجاتی بالاتر رسید؛ لذا قیام هیچ‌گاه به پایان نمی‌رسد. همچنین به علت مردمی بودن قیام و امکان تغییر انسان‌ها در قیام و احتمال خطای آن‌ها، می‌توان گفت قیام، موجودی زنده است که می‌تواند رو به افول یا رو به تعالی باشد، و از همین رو است که امام خمینی در مورد به دست گرفتن انقلاب توسط ناهلان و نامحرمان، هشدار می‌دهند (Ibid: 93). ایشان معتقدند که عوامل ایجاد انقلاب اسلامی، همان عوامل بقای انقلاب بوده و نیز تأکید دارند که مردم خود نیز باید از انقلاب مراقبت کنند. این اندیشه، به پشتوانه آموزه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام بالیده است و بر بی‌تفاوت نبودن مردم نسبت به جامعه تأکید دارد.

توجه به دشمنی‌ها با قیام‌الله:

امام خمینی در شناسایی دشمنان انقلاب اسلامی، به دو دسته دشمن آشکار و بیرونی، و دشمن از درون و با پوشش اسلام اشاره می‌کنند، چنانکه تعبیر آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین (Ibid: 397). ناظر به روایت دشمنی‌هایی از سوی دوست نمایان ذکر شده است. ایشان دشمنی دوستان نادان را منتج به همدستی آنان با دشمنان آگاه می‌دانند و معتقدند این دو دشمن، مانند دو تیغه قیچی در مبارزه با اسلام ناب با یکدیگر همکاری دارند.

قیام‌الله در دوره استقرار با دشمنان درونی:

با استقرار حاکمیت دینی و ایجاد ثبات نسبی در تقابل با دشمنان، خودبه‌خود شیوه دشمنی‌ها تغییر کرده و پیچیده‌تر خواهد شد. این پیچیدگی دشمنی‌ها، در ساحت نظری اسلام نیز ایجاد خواهد شد. امام خمینی بعد از قبول قطعنامه

۵۹۸ که بسیاری از مردم منتظر اعلام پایان جنگ از سوی ایشان بودند، در پیامی در عین اینکه پایان جنگ نظامی را اعلام می‌کنند، از آغاز جنگی دیگر پرده برمی‌دارند: «امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرهنه‌ها و مرقه‌پین بی‌درد شروع شده است» (Ibid: 85). ایشان با این اندیشه، در پیام به هنرمندان و خانواده‌های شهداء، لزوم صیقل دادن به اسلام ناب محمدی و کوبیدن اسلام آمریکایی توسط هنر را مطرح می‌کنند (Ibid: 145).

رابطه امام و امت در قیام الله:

با توجه به لزوم قیام مردمی برای توحید و اهمیت حضور مردم در کنار امام، شیوه کنش جامعه اسلامی در اندیشه ایشان، تابعی از اراده مردم و اراده امام است و برخلاف رویکردهای یک‌طرفه در فهم حکمرانی اسلامی، امام خمینی معتقد به اثر اراده‌های مردم بر تصمیمات هستند. توجه به الهی بودن فطرت انسان، باعث شده است که ایشان نگاه خوش‌بینانه‌ای به مردم داشته باشند و با توجه به وظیفه تزکیه و تعلیم امام نسبت به امت، عدم همراهی‌ها را با صبر و هدایت و ظرفیت‌سنجی امت پیش برده و تعیین راهبردها، با ملاحظه طاقت امت صورت گیرد، که این مسئله باعث رشد امت شده است. از سوی دیگر، امام، عزم و ظرفیت‌سازی امت برای امام، و میزان همراهی امت را مؤثر بر تصمیمات امام می‌دانند و عزم مردم در جمهوری اسلام را برتر از عزم مردم حجاز در زمان پیامبر (ص) و مردم کوفه در زمان امیرالمؤمنین (ع) ارزیابی می‌کنند (Ibid: 410).

تأکید بر رأی‌ندادن به بنی‌صدر یا عدم موافقت با ریاست دولت موقت توسط بازرگان (Ibid: 225)، در مکتوبات امام خمینی نیز از همین جنس است، چراکه آنگاه که امت - چه به معنای توده مردم و چه به معنای خواص - چیزی را می‌خواهد، تحمیل نظر امام بر امت، کاری از پیش نخواهد برد؛ اما کار تربیتی و روشنگری برای امت، در بلندمدت حتماً به درک و عزم گسترده و جمعی و نهایتاً به تقوای جامعه منجر خواهد شد.

- مؤلفه‌های اصلی جدال دو اسلام

در پاسخ به سؤال دوم، مفاهیمی که در جلد ۲۱ صحیفه امام برای روایت تقابل و تضاد دو گونه تلقی از اسلام از سوی امام خمینی مطرح شده است، مدنظر بوده و جنبه‌های مختلفی همچون جامعیت اسلام یا اولویت‌مندی اسلام با ذکر توضیحات و شواهد در بخش یافته‌های سؤال دوم آمده است.

نوعی ضعف و نقصان در دستگاه فهم و ادراک بشری وجود دارد، که طوری ساخته شده که تنها در صورتی قادر است اشیاء را درک کند، که نقطه مقابل هم باشند (Motahhari, 2016: 122-123). امام خمینی نیز در تبیین اسلام، به معرفی اسلام ناب بسنده نکرده، بلکه بر معرفی اضداد اسلام ناب نیز تأکید داشته و این دو اسلام را نه فقط متفاوت، بلکه در تضاد و جدال با هم معرفی کرده‌اند، چنانکه معتقدند، عزمی برای خالی کردن اسلام از خاصیت انقلابی وجود دارد (Imam Khomeini, 2006). جدال میان دو اسلام، مؤلفه‌هایی دارد که صرفاً مقایسه دو اسلام را روایت نمی‌کند، بلکه خط اصلی درگیری را در جدال مشخص می‌کند. این مؤلفه‌ها را می‌توان مبانی دین‌شناختی در الهیات امام دانست.

جامعیت اسلام ناب در برابر اسلام گزینشی:

امام خمینی معتقدند که اسلام ناب، تمامی عرصه‌های زندگی انسان را در بر گرفته و نمی‌توان سیاست و تدبیر جامعه را از آن جدا کرد؛ اما تبلیغات استعمار به‌گونه‌ای بوده که مردم باور کرده‌اند که اسلام فقط احکام فردی است و راجع به جامعه و اداره آن چیزی ندارد، و یکی از توطئه‌های مهم علیه اسلام را تفکیک مقاصد انبیاء از حکومت و آبادانی دنیا می‌دانند، که به بهانه طرفداری از قداست اسلام، رخ می‌دهد (Ibid: 405).

نظام‌مندی و رعایت اولویت‌ها در آموزه‌های اسلام ناب:

امام خمینی معتقدند آموزه‌های اسلام از درجه اهمیت یکسان برخوردار نیستند و مهم کردن در آموزه‌های دینی را نه فقط برای مجتهد، بلکه برای مقلد نیز تجویز می‌کنند. چنانکه در «تحریر الوسیله» معتقد به اهم و مهم میان

منکرها در زمان عدم قدرت، یا اضطرار و تعارض برای امر و ناهی هستند (Imam Khomeini, 2000). این تأکید بر مقایسه میان آموزه‌های اسلام در موقعیت‌های خاص، نشان می‌دهد که اسلام صرفاً مجموعه‌ای از احکام نبوده، بلکه نظام‌مندی و اولویت‌مندی آموزه‌های دینی اهمیت دارد؛ به‌گونه‌ای که جابجایی این اولویت‌ها، منظومه اسلام را تغییر می‌دهد. سیاست‌های بازسازی کشور در سال ۶۷ در صد روایت اصول ثابتی (Imam Khomeini, 2006: 155) بوده، که در موقعیت‌های متفاوت نباید از دست برود و این تبیین اصول، تسهیلگر درک نظام‌مندی دین است.

دوگانه‌های حقیقی در برابر دوگانه‌های کاذب:

در اسلام ناب دوگانه‌هایی چون استکبار و استضعاف، ظالم و مظلوم، سرمایه‌داری و فقر، مرفهین بی‌درد و پابرهنگان، دوگانه‌های حقیقی و دوگانه‌هایی چون سستی و شیعه، عرب و فارس، ایرانی و غیرایرانی، دوگانه‌های کاذب هستند. دوگانه‌های کاذب، ساخته و پرداخته اسلام آمریکایی است برای فراموش شدن دوگانه‌ها و دشمنی‌های اصلی و ایجاد تنش‌های بی‌جا. ایشان در وصیت‌نامه خود خطاب را از مردم ایران و حتی مسلمانان فراتر برده و به مستضعفان دنیا، نرسیدن از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان را گوشزد می‌کنند (Ibid: 78 & 448).

معرفت در برابر جهل، خرافه و انحصار محسوسات:

تأکید بر تفکر و آگاهی برای اطاعت از اوامر الهی، از ویژگی‌های اسلام ناب است که از این منظر، به منابع معرفتی متکثر و ذومراتب دین رجوع کرده، و احکام دین را استنباط می‌کند. در برابر این اندیشه، اسلام متحجران قرار دارد که برخلاف تأکیدات نص قرآن و احادیث، رساله عملیه‌ای ایجاد کرده‌اند که اثری از اجتماعیات در آن نیست و عبادات را خنثی طرح کرده‌اند (Imam Khomeini, 2020). همچنین تأکید بر موافقت اسلام با «مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته» (Imam Khomeini, 2006: 406) نشان‌دهنده به رسمیت شناختن تفکر و مراتب متفاوت معرفت در اسلام ناب است و با اسلامی که صنعت و فناوری را منکوب کرده، یا تفکر را کنار می‌گذارند، مرز کشیده‌اند. این مسئله در کنار اشارات ایشان به مراتب مختلف معرفت بشر و لزوم فراتر رفتن از حس و رسیدن به عقل در عرصه علم، در پیام ایشان به گورباچف^۱ (Ibid: 222) نشان می‌دهد که در عین تأکید بر ایمان مبتنی بر معرفت و آگاهی و مبارزه با جهل و خرافه، بر انحصار معرفت‌شناختی برای ایمان آوردن نیز تاخته و معتقدند نمی‌توان به بهانه آگاهی و معرفت، مراتب معرفت را در حد محسوسات تقلیل داد.

ایمان متعهدانه و اجتماعی در برابر ایمان سترون، انتزاعی و فردی:

امام خمینی معتقدند تحقق فقه اسلامی است که جهان‌خواران را متضرر خواهد کرد و فقه مستور شده در سینه علماء، نمی‌تواند حاکمیت الهی را محقق کند (Ibid: 292). تأکید بر اقامه احکام الهی در اسلام ناب و احساس تعهد مؤمنین نسبت به احکام خدا در برابر وجه تو صیفی دین که مسئولیتی برای مؤمنین ایجاد نمی‌کند، تفاوتی جدی میان اسلام ناب با دیگر قرائت‌های آن است (Khamenei, 2013). این نگاه، تحقق اسلام در عرصه عملی و خصوصاً اجتماعی را مدنظر قرار داده و با محدود ماندن اسلام در عرصه ذهنی و فردی مبارزه می‌کند.

مناسک دینی زنده و مؤثر در برابر اسلام بی‌مناسک و اسلام مناسک میان تهی:

با توجه به چهار مؤلفه جامعیت، نظام‌مندی، آگاهی‌محوری و تعهد عملی و اجتماعی می‌توان گفت، در مناسک اسلامی، رویارویی دو اسلام به اوج خود می‌رسد. در اندیشه امام خمینی، مناسک همچون درختی است که ریشه در آگاهی و معرفت دارد و ثمره آن، میوه‌های فردی و اجتماعی هستند که در عرصه فردی، معنویت و قرب الهی را به دنبال دارد و راز و رمزی بسیار ظریف ایجاد کرده و در عرصه اجتماعی، عزت، وحدت، قدرت اسلام و مسلمانان را تأمین می‌کند. با

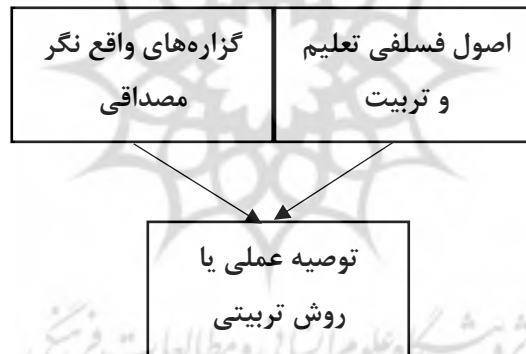
۱. میخائیل گورباچف هشتمین و آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی بود که از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱ رئیس دولت اتحاد جماهیر شوروی بود. او می‌خواست در تحلیل حوادث سیاسی جهان و مسائل شوروی بازنگری‌هایی انجام دهد که امام خمینی (ره) این فرصت را غنیمت دانستند و نامه‌ای برای وی ارسال کردند که دعوت به توحید و پرهیز از دین‌زدایی و خدازادایی را دربرداشت.

این و صف، مناسک در اسلام ناب در برابر اسلام غرب‌زدگان که معتقد به اسلام بدون شریعت و مناسک بوده و صرفاً معنویت فردی را فارغ از ریشه‌های معرفتی آن می‌جویند، می‌ایستد. همچنین در برابر اسلام مناسک میان‌تهی و بی‌معرفت و بی‌ثمر فردی و اجتماعی نیز ایستادگی می‌کند. امام خمینی معتقد به استفاده دینی از اجتماعات و مناسک اسلامی هستند (Imam Khomeini, 2020) و در پیام حج نیز بر ریشه آگاهی و میوه‌های معنوی و اجتماعی - سیاسی حج تأکید می‌کنند.

- دلالت‌های ایده جدال دو اسلام در تربیت اسلامی و انقلابی

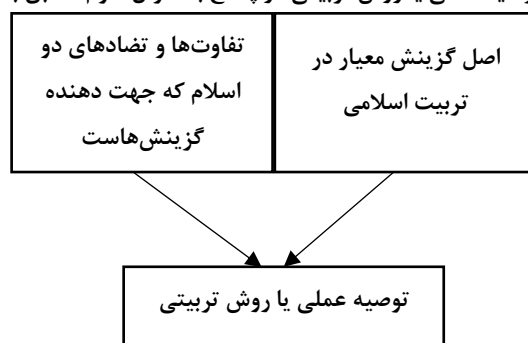
تحول تربیت اسلامی متناسب با مؤلفه‌های اصلی جدال دو اسلام، خصوصاً در زمانه کنونی که تربیت اسلامی معارضان جدی دارد، اهمیت پیدا کرده است. در این پژوهش، مطابق نظریه اسلامی تعلیم و تربیت، تقوا به‌عنوان هدف غایی تربیت اسلامی و شناخت موقعیت، شناخت خود، شناخت فراموقعیت، به‌یادداشتن موقعیت، گرایش و رغبت به اصلاح موقعیت، گزینش معیار، ساماندهی محیط طبیعی، ساماندهی روابط اجتماعی و ساماندهی خود به‌عنوان اهداف تدریجی یا همان اهداف واسط تربیت اسلامی معرفی شده است (Alamolhoda, 2009). شناخت دقیق اسلام از سوی متربی، اگرچه در بسیاری اهداف واسطی از جمله شناخت موقعیت، خود و فراموقعیت مؤثر است، اما در هدف «گزینش معیار» که متربی را در انتخاب و جهت‌دهی به اراده هدایت می‌کند و بیشترین نیاز را به اولویت‌بندی، تفکر انتقادی، تأمل و استدلال، نفی جمود و نفی نسبیت دارد، بسیار مؤثرتر خواهد بود.

شکل ۲. شیوه استنتاج در یکی از مدل‌های استنتاج عملی در الگوی فرانکنای بازسازی شده (Bagheri noparast et al, 2010)



در این بخش، مطابق شکل ۱ با در نظر داشتن اصل فلسفی «گزینش معیار» در تربیت اسلامی و مؤلفه‌های جدال دو اسلام به‌عنوان گزاره‌های واقع‌نگر مصداقی دین‌شناختی می‌توان مطابق الگوی بازسازی‌شده فرانکنا به استخراج روش‌های تربیتی و توصیه‌های عملی اقدام کرد. شکل ۲ بیانگر شیوه استنتاج در این پژوهش است. گزاره واقع‌نگر مصداقی، گزاره‌هایی توصیفی هستند که در این پژوهش حکایت از تضادهای دو گونه اسلام دارند و از آنجاکه این گزاره‌ها که مستخرج از سؤال فرعی دوم است، مصادیق تضادهای دو اسلام است و به‌عنوان گزاره واقع‌نگر مصداقی مطرح شده است. آنگاه که در تربیت اسلامی متربی باید دست به گزینش بزند، اطلاع از این گزاره‌های مصداقی، به او در تربیت اسلامی کمک خواهد کرد.

شکل ۳. شیوه استنتاج توصیه عملی یا روش تربیتی در پاسخ به سؤال سوم مطابق با الگوی بازسازی شده فرانکنا



در جدول (۱) دلالت‌های مستخرج از هریک از محورهای آمده و سپس توضیح هریک از دلالت‌ها ارائه شده است.

جدول ۱. دلالت‌های تربیتی مستخرج از محورهای جدال دو اسلام

اصل فلسفی تربیت اسلامی	گزاره واقع‌نگر دین‌شناختی (تضاد و جدال دو اسلام، هدایت‌کننده‌گزینش‌ها)	دلالت مستخرج‌شده از جدال دو اسلام برای تربیت اسلامی
جامعیت و نظام‌مندی آموزه‌های اسلام ناب در برابر پریشانی آموزه‌ها در اسلام آمریکایی	رعایت ظرافت در تبیین اسلام از سوی مربی	درک موقعیت، مصلحت و زمانه
دوگانه‌های حقیقی در برابر دوگانه‌های کاذب	مطرح کردن دوگانه‌های حقیقی و رسواکردن دوگانه‌های کاذب	دعوت از مرتبی برای مراجعه به منابع اصیل اسلامی و تفکر در آن
آگاهانه‌بودن ایمان دینی	فهم مرتبی از مبارزه به‌عنوان موقعیتی فراگیر در زندگی	درک مراتبی از مبارزه و نسبت نتیجه و تکلیف در مبارزه
تعهد عملی و اجتماعی نسبت به آموزه‌های اسلام	درک مرتبی از تکلیف نسبت به دستاوردها و کاستی‌ها	ایجاد روحیه امیدواری، استقامت، بلندهمتی و خودباوری و اعتماد به سنت‌های الهی
گزینش معیار	ایجاد مهارت برای تشکیل قدرت اجتماعی و سیاسی	پایبندی به مناسک، در عین حفظ آگاهی، معنویت و فایده اجتماعی
	روح مناسک دینی	

Homepage: <https://itt.cfu.ac.ir/>

رعایت ظرافت در تبیین اسلام از سوی مربی:

با توجه به درکی که از جدال دو اسلام وجود دارد، به نظر می‌رسد در تبیین معارف اسلام، مربی باید نسبت به این جدال آگاه باشد و از آنجاکه آموزه‌های اصلی هر دو اسلام ناب و آمریکایی از لحاظ تئوریک، انسجام نظری دارند و آموزه‌های هر دو اسلام در تضاد با یکدیگر هستند (Ghanbarian, 2022)، معرفی اسلام باید هم به صورت ایجابی و هم به صورت سلبی، در تربیت اسلامی رخ دهد به‌گونه‌ای که گزینش معیار را برای مرتبی آسان نمایند. مرتبی به علت عدم درک تضاد اسلام ناب با اسلام متحجر یا غرب‌زده، جذب اسلام‌های تقلبی شده، یا به‌طور کلی از اسلام روی‌گردان می‌شود. تأکید امام خمینی بر تبیین این دوگانه از اسلام به دانش‌آموزان شاهد (Imam Khomeini, 2006: 137)، از جمله شواهدی است که می‌تواند این دلالت تربیتی را تحکیم نماید. رسوا ساختن اسلام درباری از سوی امام سجاد (ع)، از جمله راهبردهای تربیتی اسلام برای تربیت مسلمانان ناب است (Khamenei, 2022).

درک موقعیت، مصلحت و زمانه:

برای رعایت جامعیت و نظام‌مندی اسلام ناب، طبیعتاً درک اصول و فروع ارزش‌های اسلام در موقعیت‌های خطیر می‌تواند روح اسلام را زنده نگه دارد. چنانکه امام خمینی در منشور روحانیت، بر پویایی و تعیین‌کننده بودن زمان و

مکان در اجتهاد تأکید دارند. به نظر می‌آید درک مصلحت‌ها و موقعیت‌ها برای داشتن بصیرت و احیای اسلام در تمامی موقعیت‌ها، از مهم‌ترین دلالت‌ها برای تربیت اسلامی است. مطالعه سیره سیاسی - اجتماعی اهل بیت (ع)، تاریخ گذشتگان و مبارزات آنان، مطالعات کلان اجتماعی و سیاسی، آشنایی با تجارب فعالان اجتماعی و سیاسی جهان و تمرین ذهنی برای حضور در آن موقعیت‌ها بسیار اهمیت دارد که با خواندن داستان‌ها و مستندهای این تجارب و گفتگو حول آن‌ها با متربی، محقق خواهد شد. با درک موقعیت و مصلحت و زمانه، امکان انتخاب و گزینش گری صحیح متربی فراهم خواهد شد و اولویت‌های اسلام به خوبی رعایت خواهد شد.

مطرح کردن دوگانه‌های حقیقی و رسوا کردن دوگانه‌های کاذب:

دشمنان اسلام در عرصه‌های گوناگون برای سرگرم شدن مردم به دعوای ساختگی، مدام به دوگانه‌های باطل قومیتی، جنسیتی، نژادی یا مذهبی و مانند آن، دامن می‌زنند. از آنجاکه دوگانه‌ها، می‌تواند هیجان جدی برای متربی ایجاد کند، دور از انتظار نیست که متربی در دام این دوگانه‌ها گرفتار آید، چراکه می‌تواند حس مبارزه‌جویی متربی را نیز ارضا کند. اسلام برای از بین بردن این مبارزه‌جویی باطل، به جای از بین بردن ذات مبارزه‌جویی، میدان مبارزه را به سوی دوگانه‌های اصیلی همچون حق و باطل، ظالم و مظلوم، مستکبر و مستضعف می‌برد. مری برای کمک به متربی برای گزینش معیار دقیق، راهی ندارد جز رسواکردن دوگانه‌های کاذب و تأکید بر دوگانه‌های اصیل.

دعوت از متربی برای مراجعه به منابع اصیل اسلامی و تفکر در آن:

با توجه به جدال دو اسلام حول آگاهی و معرفت، در تربیت اسلامی باید بر رجوع به منابع اصیل معرفتی دین تأکید شود. دعوت متربی به مراجعه به عقل بشری در لایه‌های مختلف آن همچون حس و مشاهده، تجربه آزمایشی و پژوهش‌های تجربی، علوم عقلی، ریاضی و آمار، پژوهش‌های اجتماعی بشری و امثال این‌ها بسیار ضروری است. همچنین توجه به مراتبی بودن معرفت و لزوم استفاده از روش‌های متناسب برای دسترسی به معارف در لایه‌های مختلف، اهمیت دارد (Alamolhoda, 2009). دعوت به تدبر و تفکر در قرآن و کتب حدیثی اصیل نیز از جمله دلالت‌های تربیتی در این محور است (Khamenei, 2013). بسیاری از متربیان، در تربیت اسلامی به تقلید و اطاعت محض روی آورده و از تفکر و شناسایی منابع اصیل دینی دور مانده‌اند و اگر کسی از کتب حدیثی یا فقهی مسئله‌ای بیاورد، به علت ناآشنایی با این منابع، به التقاط و ابهام درمی‌افتند (Haeri Shirazi, 2018)؛ این مسئله اهمیت مراجعه به منابع اصیل را برای تحقق گزینشگری صحیح آشکار می‌کند.

فهم متربی از مبارزه به عنوان موقعیتی فراگیر در زندگی:

اگر به دنبال تحقق عملی و اجتماعی اسلام باشیم، متربی باید آگاه باشد که اسلام تنها مفهومی ذهنی و فردی نیست، بلکه آموزه‌های اسلامی برای تحقق در زندگی، به تلاش او وابسته بوده و تحقق اسلام مطمئناً بدون حریف نخواهد بود. تأکید امام خمینی مبنی بر مبارزه جدی استعمار برای عدم تحقق اسلام (Imam Khomeini, 2020) نشان می‌دهد که اسلام تنها زمانی بدون دشمن خواهد بود، که در اذهان باقی بماند. عدم توجه به این عرصه مبارزاتی برای تحقق اسلام، باعث شده است که متربیان در تربیت اسلامی عمدتاً به دنبال محیطی باشند که عمل به اسلام هیچ سختی نداشته باشد؛ لذا با بروز اولین سختی‌ها در عمل به اسلام، در مقام گزینش و انتخاب، دست از اسلام برمی‌دارند. به رسمیت شناختن میدان مبارزه از سوی متربی و درک خود در قامت یک مبارز، چه در ساحت فردی و مبارزه با نفس، و چه در ساحت اجتماعی و ترک رفاه‌طلبی، از دلالت‌های این مؤلفه است.

درک مراتبی از مبارزه و نسبت نتیجه و تکلیف در مبارزه:

اگر مبارزه برای تحقق اسلام را از طبیعی‌ترین موقعیت‌های تربیتی بدانیم، باید گفت که این اندیشه بدون داشتن نگاهی ذومراتب در تحقق، رخ نخواهد داد (Tehrani, 2012). در اندیشه امام خمینی، تأکید می‌شود که برای تحقق اسلام، به قدر استطاعت باید تلاش کنیم، و این مبارزه برای تحقق را صفر و یکی نمی‌دانند (Imam Khomeini, 2006:)

17). مربی برای انجام تکلیف دینی، ابتدا باید بتواند تکلیف خود را تشخیص دهد و نتیجه‌دهی مبارزه، بر ادراک او از تکلیف نیز اثر می‌گذارد. این مسئله مخصوصاً در تربیت اخلاقی بحثی دیرپا بوده که دوگانه اخلاق وظیفه‌گرا و اخلاق نتیجه‌گرا را ایجاد کرده است. امام خمینی بر لزوم توجه به وظیفه تأکید دارند و معتقدند، اگر انبیاء هم به دنبال تحقق صدر صدی نتیجه بودند، هیچ‌گاه قیام نمی‌کردند (Ibid: 284). با کنار هم گذاشتن تلاش برای تحقق اسلام به‌قدر استطاعت و کنار نگذاشتن مبارزه به بهانه عدم حصول نتیجه، می‌توان گفت در اندیشه امام خمینی، مربی باید میزان توانایی خود و سپس میزان توانمندی دشمنان را تخمین زده و با توجه به رویارویی این دو، نتیجه ذومراتبی محتمل حاصل این مبارزه را تخمین بزند. آنگاه تکلیف مربی این خواهد بود که تمام توان خود را برای رسیدن به آن نتیجه محتمل و عقلانی به کار بندد. تقویت قدرت تخمین مربی از توانایی و استعداد خود، تشویق برای استفاده از تمام توان و ایجاد نگاه واقع‌بینانه برای نتایج تلاش‌هایش، از روش‌های تربیتی است. بدون توجه به مراتب بودن مبارزه، هنگام گزینش و انتخاب‌گری مربی، درگیر دوگانه باطل اقدام کامل‌گرایانه یا انفعال نخواهد شد و اقداماتش را متناسب با موقعیت برنامه‌ریزی می‌کند.

درک مربی از تکلیف نسبت به دستاوردها و کاستی‌ها:

با تلاش برای تحقق اسلام و حصول پیروزی‌های اولیه، یکی از مسائل مهم تربیتی رخ می‌دهد، چنانکه پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، خود را نمایان کرد. در مواجهه با دستاوردها، آنچه اهمیت دارد، درک مقایسه‌ای نتیجه تلاش نسبت به وضعیت گذشته، نسبت به وضعیت کنونی دیگر ملت‌ها و نسبت به آرمان‌های مطرح شده در اسلام است (Imam Khomeini, 2020). همچنین مربی به‌جای استفاده صرف از دستاوردهای دیگران، باید خود را مکلف و بدهکار قیام بداند. این احساس خودی‌بودن با قیام و انقلاب، باعث می‌شود که در قبال عقب‌ماندگی‌ها، بدون شکست روحی، هر آنچه از دست خودش برمی‌آید، تعاون کرده و آنجا که نمی‌تواند نیز شروع به مطالبه و امر به معروف و نهی از منکر نماید. تلاش مربی برای ایجاد بسترهای فعالیت و اقدام و قیام لله، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تربیت اسلامی است که به‌جای سخنرانی صرف، با ایجاد بستر مبارزه رخ می‌دهد. امام خمینی خود نیز با ایجاد بستر مبارزه، با نهضت سوادآموزی، امور تربیتی، جهاد سازندگی، بسیج و... این بستر را فراهم کردند. بدون ایجاد این بستر، گزینش مربی صرفاً میان انفعال و اعتراض خواهد بود و امکان کنش‌گری فعال از او سلب می‌شود.

ایجاد روحیه امیدواری، استقامت، بلندهمتی و خودباوری و اعتماد به سنت‌های الهی:

ایجاد حس یگانگی با انقلاب باعث می‌شود مربی بدون جدا دانستن خود از انقلاب اسلامی، به دنبال تلاش امیدوارانه و هم‌زمان انتقاد و نهی از منکر دلسوزانه باشد و هیچ‌یک از این‌ها به خوف یا رجای صدر صد منجر نشود، بلکه خوف و رجای در قیام و در حالت تعادل ایمانی (Imam Khomeini, 2005) نگه دارد. این مسئله می‌تواند استقامت و تلاش انقلابیون را افزایش داده و همت بلندی ایجاد کند، که به دستاوردهای پایین‌تر راضی نشده، و درعین حال بدانند به میزان تلاش بیشتر در مسیر الهی، سنت‌های الهی به‌گونه‌ای عمل خواهد کرد که نصرت بیشتری نصیب شود؛ لذا در تربیت اسلامی باید مراقب بود که دستاوردهای انقلاب را نه به‌صورت کمی و آماری صرف، بلکه ناظر به کیفیت دستاوردها و در خدمت مردم و عدالت‌بودن آن؛ و روایت تلاش‌های مردمی برای تحقق دستاوردها روایت کرد، تا به‌جای ایجاد روحیه طلبکاری، حس یگانگی ایجاد شود و به‌جای چشم‌پوشی از عقب‌ماندگی‌ها و شکست‌ها، به روایت نقاط کور معضلات اجتماعی و تجسیم تلخ‌کامی گرسنگان مغضوب قدرت‌ها (Imam Khomeini, 2006: 145) نیز پرداخته شود، تا خود ایجادکننده عزمی برای اصلاح باشد. این خصلت‌ها، روحیه‌ای در مربی ایجاد می‌کند که می‌تواند گزینش‌های او را از لحاظ روانی حمایت کند.

ایجاد مهارت برای تشکیل قدرت اجتماعی و سیاسی:

لوازم شکل‌گیری قیام همچون ایجاد قدرت اجتماعی به‌عنوان مقدمه واجب، واجب خواهد بود (Imam Khomeini,)

2000). در تاریخی‌ترین سند مبارزاتی امام خمینی نیز به ایجاد قدرت اجتماعی اشاره شده است. برای تحقق این قدرت، باید متربیین را با مهارت‌های تشکیلاتی همچون برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری، درک فرصت و تهدیدهای اجتماعی، حل تعارض و گفتگو و اقناع، درک مخاطب برای ظرفیت‌سنجی آنان و تعیین هدف متناسب با قابلیت‌های افراد در تشکیلات آشنا کرد. درک وحدت و اشتراکات میان افراد و طرد دوگانه‌های کاذب همچون مرزهای قومیتی، نژادی، مذهبی یا طبقاتی که انسان‌ها را از یکدیگر دور می‌کند، نیز اهمیت دارد. امکان ایجاد قدرت، امکان‌های پیش روی متربی را در گزینش افزایش خواهد داد.

پایبندی به مناسک در عین حفظ آگاهی، معنویت و فایده اجتماعی:

یکی از مهم‌ترین چالش‌های مربیان در تربیت اسلامی، مواجهه با مناسک دینی است. از آنجاکه تصور عامه از تربیت دینی، پایبندی به مناسک همچون نماز و روزه، حجاب، پرداخت خمس و رفتارهایی مشابه است، پرداخت آگاهانه به مناسک، توجه به رازهای معنوی آن، توجه به روح مناسک که مایه تقرب به خدا است، گفتگو با متربیین حول این مناسک، تأکید بر گفتگوی صمیمانه با خداوند به‌عنوان اصل ابراز فقر در برابر خدا و اهمیت مناسک برای پاسبانی از این رابطه معنوی بنده با خدا، توجه به لوازم و پیامدها و فرصت‌های اجتماعی و سیاسی مناسک از جمله توجهاتی است که مربی باید در زمینه آموزش مناسک عبادی داشته باشد. امکان انتخاب‌گری و گزینش متربی میان ظاهر و باطن دین، ارائه نسخه‌ای از دین که هم‌زمان به هر دو وجه مناسک دینی نظر دارد، می‌تواند در تربیت اسلامی کمک‌کننده باشد.

به نظر می‌رسد، اگر تربیت اسلامی، در قلمرو شناختی بتواند تبیینی غیرت‌ساز با قرائت‌های غرب‌زده و متحجرانه اسلام ارائه دهد، که مبتنی بر نگاهی واقع‌بینانه، تاریخی و مراتبی از موقعیت است، در قلمرو عاطفی بتواند امید و همت عالی و استقامت را زنده نگه داشته و در ساحت رفتاری بتواند مهارت کسب قدرت برای آرمان‌ها را با تکیه بر فعالیت جمعی و تشکیلاتی ایجاد کند؛ و همچنین می‌تواند در ساحت‌های شش‌گانه تربیت موفق عمل کند. در عرصه تربیت انقلابی، ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول آموزش و پرورش (Theoretical Foundations of Fundamental Transformation in the General Formal Education System of the Islamic Republic of Iran, 2011)، به وجوه سلبی تربیت اجتماعی و سیاسی توجه نداشته و بدون ملاحظه تهدیدهای نظری حول اسلام تحجر و غرب‌زده تعریف شده است، همچنین در عین تأکید بر مفهوم نظام معیار در سند، به راحتی از تبیین نظام معیار عبور کرده است. این پژوهش با ملاحظه غیرت‌سازی در عرصه نظری تربیت اسلامی و توجه به مراتبی‌دیدن، موقعیتی‌دیدن و ملاحظه لوازم عاطفی و رفتاری در تربیت اسلامی، می‌تواند علاوه بر جبران نقص نظری سند تحول در این عرصه، به عملیاتی شدن تربیت انقلابی کمک کند.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌آید آنچه موجب موفقیت گفتمانی تربیت اسلامی در برابر گفتمان‌های رقیب او می‌شود، ترویج فهم ناب از اسلام در برابر اسلام متحجرین و غرب‌زده‌ها خواهد بود. تربیت اسلامی ناب هنگامی که با دیگر قرائت‌ها از اسلام مرز می‌کشد، می‌تواند هو شیاری دقیقی برای متربیین ایجاد کند و در زمانه‌ای که اسلام هراسی خصوصاً با قرائت متحجر آن جریان دارد، به‌عنوان یک کنش پیش‌دستانه در تربیت اسلامی مدنظر قرار گیرد. همچنین با روایت دقیق از تفاوت‌ها میان اسلام و غرب‌زدگی، ذهن متربیین را در نقد و بررسی غرب‌زدگی باز کرده و امکان تفکر انتقادی نسبت به جریان‌های انحرافی و التقاطی اسلام را به او اعطا کند.

همچنین یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد در انقلابی شدن متربی، موفقیت صرف در ساحت تربیت سیاسی مطرح نیست؛ بلکه برای انقلابی بودن، علاوه بر تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی، رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش‌های اجتماعی، کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی، بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم اجتماعی، مسالمت‌جویی، درک و فهم سیاسی عدالت اجتماعی، درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین‌المللی و حفظ وحدت و تفاهم که در سند تحول آموزش و پرورش ذیل تربیت

سیاسی آمده است (Theoretical Foundations of Fundamental Transformation in the General Formal Education System of the Islamic Republic of Iran, 2011)، انگاره‌های دین‌شناختی و گزینش شیوه‌ای از دین‌داری است که اهمیت دارد و با انتخاب اسلام ناب و انقلابی، تمامی ساحت‌های تربیتی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. همچنین این اندیشه که در ذهن مربیان بسیاری وجود دارد که ابتدا باید مرتبی با آداب اسلامی و اعتقادات دینی آشنا شود و پس از آن می‌توان او را انقلابی کرد، صحت نداشته و به نظر می‌رسد برای تربیت اسلامی، این تربیت انقلابی است که با ایجاد اندیشه‌های کلان و روحیه‌ای امیدوار، و با استقامت و مهارت‌هایی برای تحقق اسلام، مبارزه را به صورتی عینی و اجتماعی و قابل‌درک تبیین کرده و با درونی‌سازی مفهوم مبارزه، می‌تواند راه را برای تربیت اسلامی ناب که مبتنی بر مبارزه‌های درونی، داخلی و بیرونی است، هموار کند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود در تربیت معلمان الهیات خصوصاً و معلمان تمامی رشته‌ها به صورت عموم، جدال دو اسلام و تضادهای این دو گونه از اسلام روایت شده و پیامدهای تدین به هر یک از اسلام‌های ناب و متحجر و غرب‌زده ترسیم گردد. همچنین باید علل خطرناک بودن اسلام ناب برای جریان استکبار روایت و تحلیل شود و بدین گونه پیش از حمله جریان‌های استعماری و اسلام‌ستیز و اسلام‌هراس، با نگاهی عمیق به اسلام، حمله به دشمنان بیرونی و دشمنان درونی اسلام که این قرائت‌های تحریف شده از اسلام هستند رخ دهد که این خود باعث مصونیت دین‌داری معلمان و دانش‌آموزان خواهد بود.

مشارکت نویسندگان

تمامی فعالیت‌های مربوط به این مقاله توسط نویسنده مسئول انجام شده است.

تشکر و قدردانی

از دست‌اندرکاران همایش ملی تعلیم و تربیت در گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر تربیت انقلابی در منظومه فکری حضرت امام خمینی رحمه الله علیه و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی تشکر می‌کنم.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

منابع

- باقری، خسرو؛ عطاران، محمد (۱۳۷۶). فلسفه تعلیم و تربیت معاصر. تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشارات محراب قلم.
- باقری، خسرو؛ سجادی؛ نرگس، توسلی، طیبیه (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- باقری، خسرو (۱۳۹۰). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران: اهداف، مبانی و اصول. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.
- بزرگ‌زاده، حسین (۱۳۸۷). نفاق و منافقین از منظر قرآن. *انسان پژوهی دینی*، ۵ (۱۷)، ص ۵۷-۸۳.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱). سلوک عاشورایی، منزل دوم؛ امر به معروف و نهی از منکر. تهران: مصابیح الهدی
- حائری شیرازی، محی‌الدین (۱۳۹۷). *تجهرگرای*. تهران: نشر معارف.
- حسین‌پور، داود (۱۳۹۲). بررسی فلسفی مؤلفه‌های اصلی به انقلاب اسلامی به مثابه ظرفیت‌هایی برای تحول در نظام آموزش و پرورش. *پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۳ (۲)، ص ۱۷۳-۱۹۴.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰). *انسان ۲۵۰ ساله*. تهران: صهبا.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. تهران: صهبا.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱). *حماسه امام سجاد*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۰۳/۱۴). بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (ع). قابل‌دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۹۱۴>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹/۱۱/۰۲). بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۶۹. قابل‌دسترس در <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۸۳>

- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۴). چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۹ الف). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲۱.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۹ ب). ولایت‌فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رکابیان، رشید؛ و علیپورگرچی، محمود (۱۳۹۸). انقلابی‌گری، انقلابی بودن و انقلابی ماندن در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری. *مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۵۷، ص ۹۵-۱۱۰.
- علم‌الهدی، جمیله (۱۳۸۸). نظریه اسلامی تعلیم و تربیت. تهران: نشر مدرسه و انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- علیپور، فاطمه (۱۴۰۰). واکاوی مؤلفه‌های تربیت انقلابی زمینه‌ساز تمدن اسلامی: پژوهشی مبتنی بر تحلیل مضمون بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. *پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی*، ۱۲(۱)، ص ۶۹-۱۰۰.
- علیپور، فاطمه؛ محمودی، اعظم (۱۴۰۲). تحلیل محتوای کتاب‌های عربی دوره متوسطه دوم، رشته علوم انسانی، براساس مؤلفه‌های تربیت انقلابی با تأکید بر محتوای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. *علوم تربیتی/از دیدگاه اسلام*، ۱۱(۲۱)، ص ۳۵-۵۷.
- فوکو، میشل (۱۴۰۱). ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟ ترجمه حسین معصوم همدانی. تهران: هرمس.
- قنبریان، محسن (۱۴۰۱). نهضت مقدس. قم: نشر معارف.
- کیانی، معصومه؛ و صادق‌زاده قمصری، علیرضا (۱۳۹۰). تبیین رویکردهای غالب روش‌شناختی پژوهش فلسفه تعلیم و تربیت در ایران و تحلیل روش‌شناختی رساله‌های دکتری. *پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۲۱(۲).
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). تهران، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- محمودی، سیروس (۱۳۹۷). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه اول از نظر توجه به مؤلفه‌های هویت انقلابی. *انقلاب اسلامی*، ۸(۲۶)، ص ۲۹-۴۶.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران: صدرا، ج ۳.
- موسوی، سید نفی (۱۳۹۷). تربیت انقلابی: چیستی، چرایی، چگونگی. تهران: زمزم هدایت.
- نامخواه، مجتبی (۱۳۹۳). نظریه اسلام ناب اسلامی آمریکا، از امام خمینی تا رهبر انقلاب. قابل‌دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=۲۸۵۰>

References

- Alamulhadi, J. (2009). Islamic theory of education. Tehran: Imam Sadegh University and Madreseh Publications. [In Persian]
- Alipoor, F. (2021). A Study of the Components of Revolutionary Education Underlying Islamic Civilization: a Research Based on the Content of the Statement of the Second Step of Islamic Revolution. *Research Quaterly of Islamic Education and Training*, 2(1), 69-100. [In Persian] URL: <https://sid.ir/paper/950663/fa>
- Alipoor, F & Mahmoodi, A (2023). Analysis of the content of Arabic books of the second secondary course, humanities field, based on the components of revolutionary education, with emphasis on the content of the statement of the second step of the Islamic Revolution. *Educational sciences from the perspective of Islam*, 11(21), 35-57. [In Persian] DOI: 10.30497/esi.2023.244849.1643
- Bagheri Noparast, Kh. & Attaran, M. (1997). Contemporary philosophy of education. Tehran: Mihrab Qalam Cultural Institute and Publications. [In Persian]
- Bagheri Noparast, Kh.; Sajjadiyah, N.; Tavasli, T. (2009). Research approaches and methods in the philosophy of education. Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies. [In Persian]
- Bagheri Noparast, Kh. (2011). An introduction to the philosophy of education of the Islamic Republic of Iran: goals, foundations and principles. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company, Volume ۱. [In Persian]
- Bozorg Zadeh, H. (2008) Hypocrisy and hypocrites according to the Qur'an. *Religious anthropology*, 5 (17), 57-83. [In Persian] URL: https://raj.smc.ac.ir/article_2709.html
- Foucault, M. (2022). What is the dream of Iranians? Translated by Hossein Masum Hamdani. Tehran: Hermes. [In Persian]
- Ghanbarian, M. (2022). holy movement. Qom: Maarif Publishing. [In Persian]
- Haeri Shirazi, M. (2017). Petrification. Tehran: Maarif Publishing. [In Persian]
- Hoseinpoor, D. (2013). Philosophical investigation of the main components of the Islamic revolution as capacities for transformation in the education system. *Research paper on the foundations of education*, 3(2), 173-194. [In Persian] doi: 10.22067/fe.v3i2.23668
- Imam Khomeini, S R. (2000). Tahrir al-Wasila. Tehran: Imam Khomeini Organization and Publishing Institute. [In Persian]
- Imam Khomeini, S R. (2005). Forty hadiths. Tehran: Imam Khomeini Organization and Publishing Institute. [In Persian]
- Imam Khomeini, S R. (2006). Imam's Sahifeh. Tehran: Imam Khomeini Organization and Publishing Institute. Vol 21. [In Persian]

- Imam Khomeini, S R. (2020). Velayat Faqih. Tehran: Imam Khomeini Organization and Publishing Institute. [In Persian]
- Khamenei, S A. (1990). Statements in the Holy Shrine of Razavi at the beginning of 1369. [In Persian] Available in: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۸۳>
- Khamenei, S A. (2010). 250-year-old man. Tehran: Sahba. [In Persian]
- Khamenei, S A. (2012). Outline of Islamic thought in the Qur'an. Tehran: Sahba. [In Persian]
- Khamenei, S A. (2015). Statements at the ceremony of the ۲۶th anniversary of Imam Khomeini's passing away. [In Persian] Available in: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۹۱۴>
- Khamenei, S A. (2022). The epic of Imam Sajjad. Tehran: Islamic Revolution Publishing. [In Persian]
- Mahmoodi, S. (2018). Analysis of the content of the textbooks of the primary and first secondary courses in terms of paying attention to the components of revolutionary identity. Islamic Revolution, 8(26), 29-46. [In Persian] DOI: 10.22084/rjir.2018.14081.2146
- Motahari, M. (2015). A collection of works by master Shahid Motahari. Tehran: Sadra, vol. 3. [In Persian]
- Mousavi, S N. (2017). Revolutionary education: what, why, how. Tehran: Zamzam Hedayat. [In Persian]
- Namkhah, Mojtabi (2014). The theory of pure Islam-American Islam, from Imam Khomeini to the leader of the revolution. Available in: <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=۲۸۵۰۰>
- Rekbian R, Alipour Gorji M. (2019) The Components of Revolutionism, Being Revolutionary and Remain Revolutionary in the Political Thought of the Supreme Leader. Scientific Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies, 16 (57), 95-110. [In Persian] URL: <http://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-1202-en.html>
- Sadeghzadeh Ghamsari, A. ; Kiany, M. (2011). Explanation of the dominant methodological approaches of the research of the philosophy of education in Iran and the methodological analysis of doctoral theses. Research paper on the foundations of education, 1(2), 119-132 [In Persian] URL: <https://sid.ir/paper/218541/fa>
- Tehrani, M. (2011). Ashurai procession, second step; Commanding Right and Forbidding Wrong. Tehran: Masabih Al-Hoda. [In Persian]
- Theoretical Foundations of Fundamental Transformation in the General Formal Education System of the Islamic Republic of Iran (2011). Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Education [In Persian]